

نفت ایران



سیروس غفاریان

اشاره

قانون ملی شدن نفت ایران که در اسفند سال ۱۳۲۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید، واقعه مهمی نه تنها در تاریخ معاصر ایران بلکه در تاریخ قرن بیستم بود و سبب بیداری ملت‌های دیگر شد. به منظور آن که همکاران ما اطلاع اجمالی از فراز و فرود این واقعه، و به طور کلی ماجرای نفت در ایران، پیدا کنند، از آقای سیروس غفاریان خواستیم مقاله‌ای در این باره بنویسند. امید که مطالعه آن بتواند انگیزه‌ای باشد برای مطالعه بیشتر در باره این رویداد. رشد

از آغاز تا ملی شدن



در این مقاله ابتدا به تاریخچه مختصر نفت از دادن امتیاز به دارسی توسط مظفرالدین شاه و دربارانش و تغییراتی که این قرارداد تا لغو کلی آن نمود، پرداخته، در ادامه به اهمیت ملی شدن صنعت نفت و نتیجه آن می‌پردازیم.

قرارداد دارسی

در ۲۶ مه ۱۹۰۱م (۵ خرداد ۱۲۸۰ش) در قصر صاحبقرانیه بین شخصی به نام ماریوت، نماینده ویلیام دارسی انگلیسی قرارداد امتیاز نفت جنوب، منعقد گردید. بر طبق این قرارداد، «شرکت نفت ایران و انگلیس» که خود تحت سیطره کمپانی BP (British - petrolum) بود تأسیس و دارسی متعهد شد که بعد از بهره‌برداری، از منافع نفت استخراجی، سالیانه شانزده درصد به اضافه مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و معادل بیست هزار لیره دیگر به صورت سهام به دولت ایران واگذار نماید. مدت امتیاز نیز شصت سال، یعنی تا ۱۹۶۱ میلادی، بود و مقرر شد پس از انقضای دوره امتیاز، تمام وسایل و ابنیه و ادوات موجود شرکت، جهت ادامه بهره‌برداری به دولت ایران تعلق گیرد. ضمناً حوزه قرارداد شامل مناطق شمالی ایران یعنی آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان نمی‌شد چون روس‌ها این نقاط را از نظر معادن در حوزه نفوذ خود می‌دانستند.

هفت سال بعد از امضای قرارداد، یعنی در تاریخ ۲۸مه ۱۹۰۸ (۵ خرداد ۱۲۸۷) در زمان پادشاهی محمدعلی شاه و صدارت میرزا احمدخان مشیرالسلطنه حفر اولین چاه در مسجد سلیمان در عمق ۳۶۰ متری به نفت رسید و نفت با فشار بسیار زیاد فوران کرد. با این رویداد، شرکت نفت ایران و انگلیس در ۱۴ آوریل ۱۹۰۹ با اطمینان از غنی بودن چاه‌های نفت ایران، توافقات دارسی را در لندن رسماً به ثبت رسانید. بعد از این، سیل کارشناسان انگلیسی به ایران سرازیر گردید و آن‌ها در سال ۱۲۸۸ شمسی (۱۹۰۹م) ساختمان پالایشگاهی را در شمال جزیره آبادان، در ۱۲ کیلومتری شهر خرمشهر آغاز کردند. هم‌زمان با احداث پالایشگاه، یک خط لوله به ظرفیت چهارصد هزار تن در سال (هشت هزار بشکه در روز) از میدان نفتی مسجد سلیمان به سوی آبادان احداث شد. و در

۱۲۹۱ش (۱۹۱۲م) پالایشگاه آبادان با ظرفیت ۲۵۰۰ بشکه در روز آغاز به کار کرد. در همان سال اولین محصول نفت خام ایران به میزان چهل و سه هزار تن صادر شد. در سال ۱۹۱۳م صادرات نفت به ۸۱۰۰۰ تن رسید. و در ۱۹۱۴م بالغ بر ۲۷۴۰۰۰ تن نفت تصفیه شده و خام صادر گردید که قسمت مهم آن را نیروی دریایی انگلستان و متفقین در عملیات جنگی به مصرف رسانیدند. پس می‌توان گفت یکی از عوامل پیروزی متفقین در جنگ جهانی اول، نفت ایران بود.

ناسازگاری شرکت نفت ایران و انگلیس با دولت ایران

به رغم آن‌که از ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۰ استخراج و صدور نفت به نحو چشم‌گیری توسعه پیدا می‌کرد، دولت انگلیس به بهانه آن‌که زمین‌هایی را برای احداث خط لوله از خوانین بختیاری خرید و یا برای حفظ امنیت خطوط لوله مخابراتی را متقبل شده است، هر سال از میزان حق‌السهم ایران کسر می‌کرد. علاوه بر این، شرکت نفت ایران و انگلیس حق‌السهم ایران را سالیانه در بانک‌های لندن به حساب خاصی واریز می‌کرد و تا زمانی که نماینده وزارت مالیه (دارایی) ایران، آن‌ها را از حساب ویژه برداشت نماید، مدت‌ها طول می‌کشید و دولت انگلیس از سود آن بهره‌مند می‌شد. این ناسازگاری‌ها باعث شد که اولیای دولت ایران به فکر تجدیدنظر در قرارداد دارسی بیفتند. از این رو، در سال ۱۳۱۱، تقی‌زاده وزیر دارایی ایران به سرچان کدمن، رییس هیئت مدیره شرکت نفت اطلاع داد که دولت ایران از ۶ اذر ۱۳۱۱ (۲۷ نوامبر ۱۹۳۲) امتیاز نامه دارسی را لغو خواهد کرد. دولت انگلیس نپذیرفت و از ایران شکایت کرد. کار به جامعه ملل کشید و دکتر «پنش» وزیر خارجه چکاسلوواکی حکمیت بین ایران و بریتانیا را بر عهده گرفت. سرانجام تقی‌زاده وزیر دارایی کابینه حاج مخبرالسلطنه هدایت، در ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲) قرارداد جدید را امضا کرد. در این قرارداد اگرچه حق‌السهم ایران ۲۵ درصد اضافه شد ولی در عوض انگلستان مدت امتیاز شصت ساله را تجدید کرد. بدین ترتیب انتهای قرارداد، در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ معین



آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی



ویلیام ناکس دارسی



دکتر محمد مصدق



کرد و سرانجام در ۲۴ اسفند ملی شدن نفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

ملی شدن نفت و نتایج آن

کلیه فعالیت‌هایی که در راه ملی شدن صنعت نفت انجام گرفت، در مجلس دوره شانزدهم بود. در ۲۸ مرداد ۱۳۲۹ دکتر مصدق رهبر جبهه ملی و رییس کمیسیون نفت نامه پرشور آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی را دایر بر ملی شدن صنعت نفت قرائت کرد. آیت‌الله کاشانی در نامه خود تأکید کرده بود که نفت ایران متعلق به ملت ایران است و باید ملی شود. شش ماه بعد، در ۴ آذر ۱۳۲۹ مصدق به عنوان رییس جبهه ملی پیشنهاد زیر را قرائت کرد: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان زیر پیشنهاد می‌کنیم که صنعت نفت در مناطق کشور بدون استئنا، ملی اعلام شود، یعنی عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست ملت ایران قرار گیرد.» اللهیار صالح - دکتر شایگان - دکتر محمد مصدق - حسین مکی - حائری‌زاده.

به دنبال علنی شدن این اطلاعیه از جانب جبهه ملی، توده‌های‌ها، ضمن تظاهرات در بعضی از میدانی تهران و خوزستان شعار «فقط نفت جنوب باید ملی شود» را سر می‌دادند که هدف آن‌ها این بود که نفت شمال باید به روسیه داده شود. نمایندگان جبهه ملی در جلسات ۲۶ و ۲۸ آذر مجلس شورای ملی، طرح ملی کردن صنعت نفت را دنبال کردند. در خارج از مجلس نیز آیت‌الله کاشانی رهبری متینگ‌های پشتیبانی از جنبش ملی شدن صنعت نفت را بر عهده داشت و حتی آیت‌الله محمدتقی خوانساری به ملی شدن نفت فتوی داد و آیت‌الله سید محمود طالقانی از آن حمایت کرد. سرانجام در جلسه ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت به اتفاق آرا به تصویب رسید و به مناسبت این واقعه تاریخی در تهران چراغانی شد و در جلسه ۲۹ اسفند مجلس سنا، رأی مجلس شورا مورد تأیید قرار گرفت. به دنبال ملی شدن صنعت نفت عوامل توده‌ای و عمال انگلستان در مناطق نفتی اغتشاش به راه انداختند.

گردید. این قرارداد، در ۷ خرداد ۱۳۱۲، در حالی به تصویب مجلس شورای ملی رسید که برای تمدید آن، اعتراضات زیادی در مجلس صورت گرفت. تقی‌زاده بعدها در این باره گفت که «من آلت فعلی بیش نبودم».

این وضعیت بود تا آن که در زمان اشغال ایران در هنگام جنگ دوم جهانی، پاره‌ای از روزنامه‌های چپ‌گرا و توده‌ای از دادن امتیاز نفت شمال به روسیه (شوروی) سخن به میان آوردند. در پی آن دکتر محمد مصدق در جلسه ۱۱ آذر ۱۳۲۳ نطقی پیرامون قراردادهای زبان‌بار نفت ایراد کرد و «طرحی» را به مجلس ارائه داد که فوراً تصویب شد. به موجب این طرح، هیچ یک از مقامات کشور حق نداشتند راجع به امتیاز نفت با خارجی‌ها در زمان اشغال ایران مذاکره کنند یا قرارداد منعقد نمایند و برای فروش نفت هم تنها با اجازه مجلس می‌توانستند به این کار اقدام نمایند؛ تا جایی که متخلفین از این قانون به حبس مجرد از ۳ تا ۸ سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شدند.

از قرارداد «گس - گلشائیان» تا طرح ملی شدن

صنعت نفت

در ۲۵ آبان ۱۳۲۷ محمد ساعد مراغه‌ای کابینه خود را تشکیل داد که عباسقلی گلشائیان وزیر دارایی‌اش بود. گلشائیان ضمن ملاقات با «گس»، نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس، لایحه‌ای را به نام «لایحه الحاقی» به قرارداد ۱۹۳۳ تنظیم کرد که حق‌السهم ایران را تا حدی بالا می‌برد. اما این لایحه در اول مرداد ۱۳۲۸ در آخر عمر مجلس پانزدهم رد شد. در همان زمان دکتر مصدق عقیده‌اش بر ملی شدن نفت در سراسر ایران بود. یک سال بعد، در ۵ تیر ۱۳۲۹ سپهبد رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید. او قصد داشت لایحه نفت را بر مبنای (۵۰ - ۵۰) با شرکت انگلیسی به مجلس شانزدهم تقدیم کند که با ترور او در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، طرحش ناکام ماند. یک هفته بعد از ترور رزم‌آرا کمیسیون نفت به ریاست دکتر مصدق نماینده تهران جهت تصویب طرح خود تلاش بی‌وقفه‌ای را آغاز

آیت‌الله
کاشانی رهبری
متینگ‌های
پشتیبانی از
جنبش ملی شدن
صنعت نفت را
بر عهده داشت
و حتی آیت‌الله
محمدتقی
خوانساری به ملی
شدن نفت فتوی
داد و آیت‌الله
سید محمود
طالقانی از آن
حمایت کرد



نخست وزیری مصدق

در ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ در پی استعفای حسین علا از نخست وزیری، مجلس به نخست وزیری دکتر مصدق اظهار تمایل کرد. شاه نیز به ناچار پذیرفت و مصدق کابینه خود را تشکیل داد. مصدق، برنامه خود را اجرای کامل ملی شدن نفت در سراسر کشور اعلام کرد و طی بخش نامه‌های انحلال شرکت نفت ایران و انگلیس را به کلیه سازمان‌های اداری اعلام کرد. دکتر مصدق، هم‌چنین دکتر سید حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز را به عنوان معاون نخست وزیر و سپس وزیر امور خارجه انتخاب کرد. به علاوه، برای اجرای کامل ملی شدن صنعت نفت، هیئت مأمور خلع ید را با ریاست مهندس مهدی بازرگان و عضویت مهندس حسینی، به اتفاق چند نفر دیگر عازم آبادان نمود. دولت انگلستان در ۶ خرداد ۱۳۳۰ از ایران به دیوان داوری بین‌المللی لاهه شکایت کرد و در ۵ مهر ۱۳۳۰ موضوع نفت را به شورای امنیت سازمان ملل متحد کشانید. مصدق ابتدا به اتفاق همراهان به شورای امنیت رفت و ضمن نطقی از حقوق ملت ایران دفاع کرد و سپس با ترومن رئیس‌جمهور آمریکا ملاقات نمود، وی در راه بازگشت به ایران وارد قاهره شد. **اخوان المسلمین** و جمعیت‌های دیگری با فریاد زنده‌باد مصدق قهرمان شرف از او استقبال کردند. در قاهره با **نحاس پاشا** نخست‌وزیر و **حاج امین‌الحسینی** مفتی اعظم فلسطین ملاقات نمود و در بازگشت، به محض ورود به تهران، با استقبال پرشوری روبه‌رو گردید. دولت انگلستان از نظر فروش نفت، کشور ما را تحریم کرد و کشتی «روزماری» ایتالیایی را که هفتصد تن نفت ایران را بارگیری کرده بود در بندر عدن توقیف کرد. مصدق ناچار شد از طریق بانک ملی ایران **اوراق قرضه ملی** منتشر کند که فقیر و غنی آن را خریداری کردند و دولت را تنها نگذاشتند. در بهمن ۱۳۳۰ انتخابات دوره هفدهم مجلس انجام شد و افرادی مثل **آیت‌الله کاشانی** و **حسین علی راشد** علاوه بر افراد نهضت ملی در حوزه تهران انتخاب شدند. اما کسی مثل **مهدی میراشرافی** مدیر روزنامه آتش نیز که از مخالفان مصدق بود به مجلس راه یافت. همین میراشرافی بود که بعدها به اتفاق دکتر بقایی، آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را روبه‌روی یکدیگر قرار داد. سرانجام در ۷ خرداد ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای دفاع از حقوق ملت ایران عازم دادگاه لاهه شد و دفاعیات او منجر به رأی این دادگاه به نفع دولت ایران

گردید. دکتر مصدق در سال ۱۳۳۱ بانک شاهنشاهی را که متعلق به انگلیس بود تعطیل کرد و ساختمان مرکزی آن را که در گوشه شرقی توپخانه واقع بود به بانک بازرگانی واگذار کرد؛ سپس شیلات شمال را ملی نمود. دولت مصدق با اتخاذ «سیاست موازنه منفی» نه به روسیه امتیاز داد و نه به غرب، و به مدت نزدیک به دو سال بدون صدور قطره‌ای نفت، کشور را اداره کرد. در طول دوره اول نخست‌وزیری مصدق، توطئه‌ها علیه او ادامه داشت که شاه و درباریان در این امر نقش مهمی ایفا می‌کردند. سرانجام در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ بر سر واگذاری اختیارات وزارت جنگ به مصدق، بین شاه و دولت اختلاف ایجاد شد. مصدق به عنوان اعتراض استعفا کرد. مصدق می‌گفت در دولت مشروطه شاه باید سلطنت کند نه حکومت. شاه استعفای مصدق را پذیرفت اما این بار نیز آیت‌الله کاشانی از مصدق پشتیبانی کرد و **احمد قوام** که می‌خواست جانشین مصدق شود قادر به تشکیل کابینه نشد. در روز ۳۰ تیر مردم به فرمان کاشانی به حمایت از مصدق به تظاهرات در خیابان‌های تهران پرداختند که درگیری روی داد و عده‌ای از تظاهرکنندگان به شهادت رسیدند. شاه ناچار شد بار دیگر مصدق را به عنوان نخست‌وزیر بپذیرد. از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به بعد مهدی میراشرافی و مظفر بقایی بر سر اخذ اختیارات شش ماهه از مجلس، عملاً مجلس هفدهم را در برابر مصدق قرار دادند و علاوه بر این، با توطئه مظفر بقایی، سررتیب افشار طوس، رئیس شهربانی را ربوده و کشتند. مصدق مجبور شد که در ۱۹ مرداد ۱۳۳۲ با برگزاری رفراندوم، مجلس را منحل نماید. در پی انحلال مجلس، شکاف بین دربار و دولت بیشتر شد و در میان طرفداران نهضت نیز اختلاف افتاد. توطئه‌های دربار و دولت‌های انگلیس و آمریکا نیز هم‌چنان در کار بود. شاه که قدرت خود را در خطر دید روز ۲۵ مرداد از ایران گریخت و به ایتالیا رفت که به دنبال آن مردم نیز اظهار شادمانی کردند و مجسمه‌های او را پایین کشیدند. اما این وضع دیری نپایید و سه روز بعد، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با کمک آمریکا و انگلیس و شورش‌هایی که اراذل و اوباش در تهران به راه انداختند، شاه به تهران بازگشت. نظامیان با کشتار و دستگیری رهبران نهضت، از جمله دستگیری دکتر مصدق، شاه را به قدرت بازگرداندند. مصدق را محاکمه، سه سال زندان و به تبعید در احمدآباد محکوم کردند و دیگر مخالفان را نیز سرکوب نمودند. بدین ترتیب دوره‌ای از وحشت و ترور در ایران آغاز شد. البته ملی شدن نفت امری برگشت‌ناپذیر بود.

منابع

۱. جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد سرهنگ نجاتی، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۶۵.
۲. دانش‌نامه نفت و انرژی، مهندس مهروز، انجمن نفت، تهران، ۱۳۷۸.
۳. نفت در دوره رضاشاه، اسنادی در تجدیدنظر در امتیاز داری زیر نظر هیئت نویسندگان، آرشیو اسناد ریاست جمهوری، تهران، ۱۳۷۸.
۴. نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، باقر عاقلی، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۷۰.
۵. اطلاعات ۸۰ سال جلد اول (۱۳۵۷-۱۳۰۴) مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۸.
۶. خاطرات جلیل بزرگمهر از دکتر مصدق، انتشارات ناهید، تهران، ۱۳۷۳.

در روز ۳۰ تیر مردم به فرمان کاشانی به حمایت از مصدق به تظاهرات در خیابان‌های تهران پرداختند که درگیری روی داد و عده‌ای از تظاهرکنندگان به شهادت رسیدند. شاه ناچار شد بار دیگر مصدق را به عنوان نخست‌وزیر بپذیرد

شاه که قدرت خود را در خطر دید روز ۲۵ مرداد از ایران گریخت و به ایتالیا رفت که به دنبال آن مردم نیز اظهار شادمانی کردند و مجسمه‌های او را پایین کشیدند. اما این وضع دیری نپایید